

سهم ۱۵ درصدی اینترنت از تولید ناخالص داخلی جهانی

بهره ایران از اقتصاد دیجیتال چقدر است؟

برنامه‌های سید ستار هاشمی پیش از دریافت رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی به آن پرداخته شده بود. همچنین اعلام شده در عصر دیجیتال، توسعه اقتصاد مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین محرک‌های رشد اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود. با در نظر گرفتن سند راهبردی فضای مجازی و سند نظام اقتصاد دیجیتال که گام بزرگی به سوی تقویت اقتصاد دیجیتال است، راهبردهای ارائه شده با هدف تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز، افزایش سهم تولید و صادرات کالاها و خدمات دیجیتال و حمایت از نوآوری و کارآفرینی در حوزه ICT تدوین شده‌اند. نظر به گستردگی کار در این حوزه، بی‌شک حضور و همراهی بخش خصوصی امری ضروری است و مسئولان وزارت ارتباطات نیز بر این امر تأکید داشته و در راستای توسعه تعاملات خود با سازمان نظام صنفی رایانه‌ای که به‌عنوان مجمعی از فعالان حوزه ICT در بخش خصوصی شناخته می‌شوند، جلسات و هم‌فکری‌های متعدد دارند. باتوجه به تأثیر اقتصاد دیجیتال بر بخش‌های مختلف، اخیراً رئیس اتاق بازرگانی به انتقاد از نادیده گرفته شدن بخش خصوصی در این حوزه پرداخته است.

صمد حسن زاده با تأکید بر اینکه کارگروه‌های مختلفی زیر نظر هیئت وزیران فعال هستند، یکی از مهم‌ترین آن‌ها را «کارگروه اقتصاد دیجیتال» دانسته که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، ریاست این کارگروه را بر عهده دارد و ترکیب اعضای آن، فقط دولتی است.

او با انتقاد از این رویه می‌گوید: «فقط برخی فعالان بخش خصوصی، صرفاً به‌عنوان عضو مهمان و بدون حق رأی در برخی جلسات این کارگروه دعوت می‌شوند. در حالی که اگر قرار است کارگروه اقتصاد دیجیتال در مأموریت‌های خود توفیق داشته باشد، باید نماینده یا نمایندگان بخش خصوصی نیز به ترکیب این کارگروه اضافه شوند و نمایندگان بخش خصوصی در این کارگروه دارای عضویت رسمی با حق رأی باشند.»

رئیس اتاق ایران در عین حال بیان می‌کند: «با آگاهی از اینکه نقش وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در فراهم کردن زیرساخت‌ها ناظر بر تأمین زیرساخت‌های فنی است، باور داریم که حتماً وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و بخش خصوصی باید سهم خود را در گسترش اقتصاد دیجیتال ایفا کنند و به‌عنوان بازیگران اصلی شناخته شوند؛ بخش خصوصی با اعتقاد به این موضوع و دارا بودن توانمندی مورد نیاز، آماده نقش آفرینی در توسعه اقتصاد دیجیتال است.»



اقتصادی این کشور است؛ امری که نشان می‌دهد هر کالا و خدمتی که در چین تولید می‌شود هزینه آن تا ۱۵ درصد آن از نظر بهای تمام‌شده نسبت به اقتصادهای سنتی ارزان‌تر است و از سویی تنوع در تولید محصول به مراتب بالاتر از اقتصادهای سنتی محسوب می‌شود.

چالش دسترسی به منابع انرژی

مروری بر رتبه کشورهای مختلف در زمینه اقتصاد دیجیتال، گویای آن است که صعود در این جداول کار ساده‌ای نبوده و در بسیاری موارد طی سال‌های مختلف رتبه کشورها در این زمینه افت‌وخیزهایی داشته است. حال اگر آماده بودن شرایط برای ارتقای این رتبه را مدنظر قرار دهیم برخی از فعالان بخش صنعتی تأکید دارند که اگر وضعیت دسترسی ما به برق را درست کنند ما حتی ۵۰ درصد بهره‌وری را افزایش خواهیم داد. این در حالی است که در کنار موضوع برق، بحث بهره‌مندی از آب و گاز نیز به دلیل عدم توجه به فناوری با مسیر خلق ثروت و نقش آفرینی در این سال‌ها دچار چالش‌هایی شده است.

با وجود این، باور مسئولان دولت چهاردهم آن است که بحث اقتصاد دیجیتال می‌تواند بزرگ‌تر شود؛ چرا که اگر آهنگ توسعه در این بخش کند شود، روند توسعه در سایر بخش‌ها نیز کاهش پیدا خواهد کرد. با توجه به اهمیت این حوزه، اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یکی از برنامه‌های مهم وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در دولت چهاردهم معرفی و در

در ایران اما در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سهم اقتصاد دیجیتال از درآمد ناخالص ملی (GDP) حدود هشت درصد ارزیابی می‌شود. این در حالی است که این سهم در دیگر کشورهای جهان به مراتب بالاتر بوده و حتی در کشورهای همسایه تا ۲۰ درصد می‌رسد.

اقتصاد دیجیتال که تحولانی نظیر تجارت الکترونیک، خدمات دیجیتال، بانکداری دیجیتال و حتی صنایع مبتنی بر داده‌ها را در برمی‌گیرد، با سرعت رشد تکنولوژی، ورود فناوری‌های نوین چون هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و بلاکچین و نیز حوزه‌های مختلف کسب و کار، به بستری برای نوآوری و افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها تبدیل شده است. افزایش سرعت دیجیتال شدن جهان، موجب شده شرکت‌ها و دولت‌ها به این نتیجه برسند که اگر نتوانند به‌سرعت با این تحولات هم‌گام شوند قطعاً از رقابت جهانی باز خواهند ماند. در ایران هم با حضور بازیگرانی چون دانش‌بنیان‌ها، اپراتورهای تلفن همراه، شرکت‌های فناوری و استارت‌آپ‌های نوپا این حوزه به یکی از بخش‌های مهم رو به رشد تبدیل شده است. در این زمینه با توجه به اینکه ۲۵ درصد از اقتصاد دنیا مربوط به اقتصاد دیجیتال بوده و این بخش رشد ۲٫۵ برابری نسبت به اقتصاد سنتی دارد، در برنامه هفتم توسعه چنین مقرر شده که از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷ سهم اقتصاد دیجیتال در اقتصاد ایران به ۱۵ درصد برسد. این در حالی است که به‌طور مثال چشم‌انداز کشوری مثل چین در سال ۲۰۲۵ رسیدن به سهم ۵۰ درصدی اقتصاد دیجیتال در رشد

یک کارشناس مسکن تشریح کرد

تبعات حضور اتباع خارجی در صنعت ساختمان



از اتباع است که برای مدتی کوتاه در ایران سکونت دارند تا بتوانند به کشور دیگری مهاجرت کنند. به‌طور غالب این افراد در کشورهای دیگر نیروی کاری داشته و از طرف آن‌ها نیز مبلغی را دریافت می‌کنند که این بحث هم در وضعیت مالی آن‌ها در قیاس با ایرانیان تأثیرگذار است.

علاوه بر بازار اجاره‌بها، حضور این افراد در صنعت ساخت‌وساز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است که طی سال‌های گذشته با کاهش ساخت‌وساز در کشور و افزایش تقاضای مهاجرت قانونی و غیرقانونی اتباع افغانستان مشکلات متعددی برای مردم ایجاد شده است؛ چرا که بهره‌مندی و دسترسی به انواع یارانه‌ها و فرصت‌ها با این رویکرد تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. در این میان یکی از رویکردهای نادرستی که در بحث خروج اتباع غیرقانونی مطرح می‌شود این نکته است که برخی می‌گویند در صورت خروج این افراد برای تصدی مشاغل سخت و دشوار نیرویی وجود نخواهد داشت. بر این اساس حضور کارگران افغان در ایران امری

یک واحد را برای جمعیت بالاتری اجاره کرده و مبلغ اجاره‌بها را بین خود تقسیم کنند. بر این اساس ممکن است گاه قدرت آن‌ها در بازار اجاره‌بها نسبت به هموطنان به نوعی بیشتر باشد. از سوی دیگر این افراد معمولاً به مناطق پرتراکم شهری علاقه‌مندی بیشتری نشان می‌دهند و طبیعی است که در این مناطق نرخ اجاره‌بها در قیاس با سایر مناطق شهری پایین‌تر باشد. بدین ترتیب شاهدیم که حضور این گروه به اشکال مختلف موجب می‌شود شهروندان برای اجاره واحدهایی که به نظر می‌رسد قیمت پایین‌تری داشته باشند تحت فشار قرار گیرند. همچنین بسیاری از واحدهای مسکونی خالی که نیاز به سرباردار یا نگهبان دارد و به واسطه این افراد اشغال می‌شود. حال این را در نظر بگیرید که افراد مذکور، در قیاس با ایرانیان مهاجران کشورهای دیگر، پرداخته‌هایی مانند مالیات نداشته و به نسبت هزینه‌های زندگی آن‌ها در قیاس با یک ایرانی پایین‌تر حساب می‌شود؛ چرا که بابت خدمات مختلفی که ایرانیان به دولت می‌پردازند، تبعه افغان هزینه‌ای ندارد. مسئله دیگر مربوط به آن دسته

گزارش

مهناز مهرداد

روزنامه نگار

اقتصاد دیجیتال (Digital Economy) که اقتصاد اینترنت (Internet Economy) هم نامیده می‌شود، اقتصادی است که بر پایه تراکنش‌ها و تعامل‌های اینترنتی بنیان گذاشته شده است.

نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۲ طی گزارشی چنین اعلام کرده بود که دنیا در آستانه انفجاری بزرگ است. منظور از این انفجار بزرگ، رشد سهم اقتصاد دیجیتال از اقتصاد جهانی بود. پیش‌بینی‌های آن دوره حکایت از این داشت که تا پایان سال ۲۰۳۰، نیمی از اقتصاد جهان در خدمت اقتصاد دیجیتال خواهد بود.

اینک بخش قابل توجهی از اقتصاد جهان به خدمت این بخش درآمده و در کشورهای همسایه هم این رشد فراینده را شاهد هستیم؛ به گونه‌ای که اتاق اقتصاد دیجیتال دبی با انتشار گزارشی اعلام کرده حجم اقتصاد دیجیتال امارات تا سال ۲۰۳۱ به بالای ۱۴۰ میلیارد دلار خواهد رسید. بر اساس این گزارش، اتاق اقتصاد دیجیتال دبی که از مراکز اصلی سیاست‌گذاری بخش این نوع اقتصاد در امارات متحده عربی محسوب می‌شود، اعلام کرده که در صورت به وقوع پیوستن این سناریو، سهم این بخش از درآمد ناخالص ملی امارات از ۹ درصد به بالای ۲۰ درصد در سال ۲۰۳۱ افزایش خواهد یافت. عربستان سعودی نیز بر اساس شاخص بلوغ (GovTech) بانک جهانی برای سال ۲۰۲۲، به دلیل تحول در دولت دیجیتال بهترین رشد در منطقه و سومین رشد در سطح جهان را دارا خواهد بود.

از سوی دیگر بر پایه گزارش مانیکا و همکاران (۲۰۱۳) در سال ۲۰۱۲ در میان ۳۵ کشور که بیشترین نسبت اقتصاد دیجیتال را در (GDP) خودشان داشته‌اند، تنها کشور ترکیه حضور داشت که با رتبه ۳۰، میزان ۰٫۹ درصد را به اقتصاد دیجیتال اختصاص داده بود. در جدیدترین رتبه‌بندی که در سال ۲۰۲۲ توسط رتبه‌بندی رقابت دیجیتال (IMD) انجام شده، کشور امارات متحده عربی رتبه سیزدهم را به خود اختصاص داده و پس از آن قطر با رتبه ۲۶، عربستان سعودی با رتبه ۳۵ و ترکیه با رتبه ۵۴ در میان ۶۳ کشور برتر دنیا قرار دارند.

همین آمارهای اندک کافی است تا مشخص شود سیر اقتصاد دیجیتال در دنیای امروز با چه سرعتی رخ می‌دهد و کشورها در این حوزه تا چه اندازه تلاش می‌کنند.

سهم هشت درصدی ایران

گفت‌وگو

آمار دقیقی درباره تعداد اتباع قانونی و غیرقانونی افغان در ایران وجود ندارد. با وجود این، طی ماه‌های گذشته که بحث کنترل جدی‌تر حضور آن‌ها در کشور و بازگشت اتباع غیرمجاز مطرح شده، برخی کارشناسان حوزه‌های مختلف بابت جای خالی این افراد و صنایعی که با اتکا به کارگران افغان می‌چرخند هشدار داده‌اند. صنعت مسکن نیز یکی از بخش‌هایی است که در ظاهر بسیاری بر حضور پررنگ کارگران افغان در آن صحنه می‌گذارند. درباره تأثیر حضور این دسته از مهاجران بر وضعیت صنعت و بازار مسکن به گفت‌وگویی با ابودر ندیمی، کارشناس مسکن پرداخته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

فکر می‌کنید حضور اتباع افغانستانی در صنعت مسکن ایران چه تأثیری داشته و دارد؟

یکی از نکاتی که جا دارد درباره وضعیت مسکن و اتباع به آن اشاره شود آن است که در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد اتباع خارجی کشور به‌ویژه اهالی کشور افغانستان وجود ندارد. گاه برخی افراد تعداد مهاجران این کشور را بالغ بر ۱۰ میلیون نفر می‌دانند و گاه عده‌ای از جمعیت زیر ۱۰ میلیون نفری آن‌ها صحبت می‌کنند. از سوی دیگر درباره خروج اتباع و بازگرداندنشان به کشور خود هم عده و رقم درستی منتشر نشده است. حتی در ارتباط با افرادی که در حال حاضر و به‌طور جدید از افغانستان راهی ایران می‌شوند هم آمار متنی وجود ندارد اما واقعیت آن است که سکونت این افراد در کشور به شکل‌های مختلف در صحنه کار و زندگی و مسکن مردم تأثیرگذار است. یکی از نکاتی که باید در حوزه مهاجران افغان مورد توجه قرار گیرد بحث قدرت زیست جمعی بالای آن‌هاست. در شرایطی که بازار اجاره‌بها با مشکلات متعدد دست و پنجه نرم می‌کند و مردم برای تأمین ملک اجاره‌ای، قدرتی به مراتب پایین‌تر نسبت به سال‌های گذشته دارند، تبعات مهاجرت گسترده افغان‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. این افراد در قیاس با ایرانیان عادت به زیست جمعی بالایی داشته و می‌توانند

بحران صنعت برق در سمت تولید، عرضه و تقاضا در اوج مصرف سال ۱۴۰۳ که گاهی میزان برق تأمین نشده در ساعات اوج تقاضا تا حدود ۱۸ هزار مگاوات ساعت بوده، هشدار جدی برای سیاست‌گذاران کشور بوده و همگی را با نتایج عدم توجه به گوشه‌های کارشناسان در سال‌های پیش، مواجه کرد. به‌رغم گزینشی عمل کردن دولت‌ها در اجرای اسناد بالادستی در ایجاد ظرفیت نیروگاهی ذیل برنامه‌های توسعه‌ای، پر واضح است که مشکل اصلی صنعت برق برای توسعه و سرمایه‌گذاری، اقتصاد بیمار حاکم بر آن بوده است. در دهه گذشته نرخ سرمایه‌گذاری به‌شدت کاهش پیدا کرده و گاهی به سمت صفر متمایل شده است. اکنون با بررسی جمیع جهات، کارشناسان اذعان دارند برای برون‌رفت از این وضعیت و ایجاد رغبت در سرمایه‌گذاری در این صنعت، واقعی‌تر کردن قیمت‌های برق و همچنین زدودن شرایط سخت و دخالت‌های دولتی در فضای این صنعت ضروری است. به بیان دیگر دولت به‌عنوان تصمیم‌گیر سخت و جدی است تا از بحران‌های جدی‌تر پیشگیری شود.

یکی از راهکارها که با بررسی بیشتر به‌نظر می‌آید با هم گرا کردن نیازها و موانع موجود در این صنعت ماهیتی بر-درد داشته باشد، مجوز دولت به بخش خصوصی و همکاری با آن برای صادرات برق به کشورهای همسایه است. این امر طی قرارداد‌های دوجانبه با مشتریان خارجی و ایفا نقش دولت به‌عنوان انتقال‌دهنده انرژی به‌وسیله زیرساخت‌های موجود تا حد امکان (ظرفیت خطوط و پست‌های در مالکیت دولت) و همچنین ناظر بر اجرای منافع دولت صورت می‌گیرد. در این مدل که مبتنی بر اجرای تعهد بخش خصوصی برای تزریق بخشی از برق تولیدی خود به شبکه داخلی کشور برای کنترل ناترازی و پاسخگویی به تقاضا در ساعات اوج مصرف است، این امر می‌تواند بر مبنای نیاز داخلی و مدیریت بار به مدل‌های مختلفی ارائه شود و در شرایطی که شبکه داخلی نیاز نداشته باشد، مانند فصول سرد سال و یا در ساعات کم‌باری شبکه، مجوز صادرات کل برق را داشته باشد. در این مدل دولت گاز تحویلی به نیروگاه را برای برق صادراتی به نرخ واقعی‌تر مانند خوراک پتروشیمی‌ها و یا حتی بیشتر به نیروگاه‌های بخش خصوصی می‌فروشد که حتی تا اعداد ۱۰ الی ۱۵ سنت به ازای هر متر مکعب می‌توان در نظر گرفت. با اجرای چنین شرایطی توجیه اقتصادی مناسبی برای دولت از آورده فروش گاز به نرخ واقعی‌تر، دریافت بهای ترانزیت انرژی از نیروگاه‌ها و تأمین بخش قابل توجهی از انرژی مورد نیاز در ساعات اوج تقاضا ایجاد می‌شود. در عین حال برق تزریق شده به شبکه داخلی را با نرخ گاز متداول نیروگاهی محاسبه می‌کند و تنها نرخ تبدیل انرژی را به نیروگاه‌ها پرداخت می‌کند. از منظر اقتصادی منفعت دولت در صادرات برق بیشتر توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد که نرخ گاز متناسب و همچنین بهای ترانزیت پرداخت می‌کند. از طرفی برای بخش خصوصی به‌دلیل پرداخت قیمت واقعی گاز و به‌صورت ارزی، امکان رقابت با دولت در بازار هدف وجود نخواهد داشت. دغدغه اصلی برای توسعه نیروگاه‌های حرارتی، چشم‌اندازی نامطمئن در تأمین گاز به‌عنوان خوراک نیروگاه‌هاست. برای رفع این دغدغه می‌توان در گام اول برای مجوز صادرات برق به بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری‌ها را به سمت بهینه‌سازی نیروگاه‌ها، افزایش راندمان و سیکل ترکیبی کردن نیروگاه‌های گازی موجود بدون نیاز به تأمین خوراک بیشتر از وضعیت موجود معطوف کرد. تولید برق با چنین روش‌هایی توسط بخش خصوصی و امکان صادرات بخشی از آن، موجب می‌شود یکی از نیازهای اصلی که همان بهینه‌سازی روش‌های تولید است را به‌صورت توأمان با موارد بیان شده تأمین کنیم. در گام بعدی می‌توان از سوخت‌های جایگزین مانند LPG استفاده کرد. همچنین با اعمال تخفیف‌ها و مشوق‌ها بخشی از سرمایه‌گذاری را به سمت استحصال گازهای همراه نفت (فلر) معطوف کرد که با سوختن در شعل‌ها هم مفضل زیست‌محیطی به‌وجود می‌آورند و هم منابع را تلف می‌کردن. و بخشی از تخفیف‌ها در این بخش را می‌توان از صندوق محیط زیست و همچنین بازار بهینه‌سازی و محیط زیست که سازوکار آن تدوین شده، تأمین کرد.

ضروری تلقی می‌شود. مشاغل مرتبط با ساخت‌وساز مسکن نیز از جمله شغل‌های سختی محسوب می‌شوند که گفته می‌شود برای چرخاندن آن‌ها نیاز به حضور این افراد وجود دارد اما باید به این نکته توجه داشت که در حال حاضر در استان‌های مختلف و شهرستان‌های ما افراد نه‌چندان کمی به مشاغل مرتبط با ساختمان می‌پردازند و اگر شرایط برابر وجود داشته باشد امکان جابه‌جایی آن‌ها به کلان‌شهرها ارتقا پیدا خواهد کرد. بر این مبنا به تناسب پروژه‌های تعریف شده می‌توان برای تأمین نیرو از پتانسیل کارگران اطراف استان استفاده کرد. بنابراین عده بسیاری آمادگی این را دارند که برای تصدی این مشاغل اقدام کنند و اینکه گفته می‌شود در صورت خروج این دسته از مهاجران، یک صنعت دچار مشکل می‌شود خیلی منطقی به نظر نمی‌رسد. حتی با پیگیری این موضوع از اداره کار ممکن است افراد به خوبی متوجه شوند که نیرو برای پر کردن جای کارگران افغان در استان‌های مختلف کشور وجود دارد و چنانچه به‌طور مثال یک کانکس برای اقامت آن‌ها فراهم شود می‌توانند برای دوره مربوط به ساختمان‌سازی به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت کنند. در این سال‌ها به واسطه آنکه اتباع افغانستان در قیاس با ما قدرت بیشتری برای حمایت از یکدیگر دارند هرگاه کارگری به کاری دعوت شده چندین نفر از هموطنان خود را نیز معرفی کرده و برای آن‌ها شغل ایجاد کرده است در صورتی که این روند در میان کارگران ایرانی کمتر دیده می‌شود. یکی از دلایلی که باعث می‌شود عده‌ای بر این استدلال‌ها اصرار داشته باشند آن است که کارفرمایان می‌توانند برای کارگران خارجی حداقل پرداختی را داشته باشند و هزینه‌ای بابت تأمین اجتماعی و غیره پرداخت نکنند. در غیر این صورت در میان جمعیت کشور افرادی هستند که می‌توانند به راحتی جای این دسته از کارگران را پر کنند. لازم است در این زمینه دولت و سازمان‌های بیمه‌گر به مسئله ورود کنند تا شرایط به سمت برابری پیش برود و این گونه نباشد که به بهانه تصدی این مشاغل نیروهای خارجی وارد کشور شوند.